

پرتو ساقی
(جامع احادیث مشنوی)
دفتر اوّل

دکتر کاظم محمدی

Dr. Kazem Mohammadi

محمّدی وایقانی، کاظم، ۱۳۴۰.

پرتو ساقی (جامع احادیث مثنوی) دفتر اول / کاظم محمّدی.

کرج نجم کبری، ۱۳۹۲.

۴۳۴ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸ دوره

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۵-۵

شابک جلد ۱:

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی -- نقد و تفسیر.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی -- احادیث.

کتابنامه: ص [۴۲۱] - ۴۳۴ - هم چنین به صورت زیرنویس.

شعر فارسی -- قرن ۷ق -- تاریخ و نقد.

حدیث در ادبیات فارسی.

PIR ۵۳۰۱/م۳۵ پ ۱۳۹۲

۸۵ ۱/۳۱

۳۳۶۸۴۵۲

نام کتاب: پرتو ساقی (جامع احادیث مثنوی) دفتر اول

نویسنده: دکتر کاظم محمّدی

انتشارات: نجم کبری

لینوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف

تیراژ: ۱۰۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۳

بهای دوره: ۲۰۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸

شابک جلد اول: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۵-۵

فهرست

۱۳	مقدمه
۴۳	۱- ابر برناید پی منع زکات ...
۵۱	۲- آفتاب آمد دلیل آفتاب ...
۵۵	۳- لَا تُكَلِّفْنِي فَأَنِّي فِي الْفَنَاءِ ...
۶۱	۴- گورخانه‌ی راز تو چون دل شود ...
۶۲	۵- گفت پیغمبر: هر آن کاو سر نهفت ...
۶۴	۶- اسب تازی برنشست و شاد تاخت ...
۶۶	۷- عشق‌هایی کز پی رنگی بود ...
۶۷	۸- تو مگو ما را بدان شه بار نیست ...
۷۰	۹- می بلرزد عرش از مدح شقی ...
۷۴	۱۰- کار پاکان را قیاس از خود مگیر ...
۸۱	۱۱- آن یکی را روی او شد سوی دوست ...
۸۱	۱۲- چون بسی ابلیس آدم‌روی هست ...

- ۸۲- ۱۳- بهر این بعضی صحابه از رسول ...
- ۸۴- ۱۴- بشنو از اخبار آن صدر صدور ...
- ۸۷- ۱۵- اسب جانها را کند عاری ز زین ...
- ۹۲- ۱۶- اسب تازی برنشست و شاد تاخت ...
- ۹۵- ۱۷- عقبه‌ای زین صعب‌تر در راه نیست ...
- ۹۷- ۱۸- در یکی گفته ریاضت سود نیست ...
- ۱۰۲- ۱۹- در یکی گفته که واجب خدمت است ...
- ۱۰۵- ۲۰- در یکی گفته کزین دو برگذر ...
- ۱۰۷- ۲۱- بر تو آسان کرد خوش آن را بگیر ...
- ۱۰۹- ۲۲- در یکی گفته که استادی طلب ...
- ۱۰۹- ۲۳- صد چو عالم در نظر پیدا کند ...
- ۱۱۰- ۲۴- فهم و خاطر تیز کردن نیست راه ...
- ۱۱۲- ۲۵- گر امینم متهم نبود امین ...
- ۱۱۴- ۲۶- لذت هستی نمودی نیست را ...
- ۱۱۹- ۲۷- زاری ما شد دلیل اضطرار ...
- ۱۲۰- ۲۸- کافران چون جنس سجّین آمدند ...
- ۱۲۳- ۲۹- یک زمانی صحبتی با اولیاء ...
- ۱۲۵- ۳۰- هر که او بنهاد ناخوش ستی ...
- ۱۳۰- ۳۱- نور غالب ایمن از کسف و غسق ...
- ۱۳۶- ۳۲- حق فشاند آن نور را بر جانها ...
- ۱۴۱- ۳۳- اشک خواهی رحم کن بر اشکیار ...
- ۱۴۴- ۳۴- هم چنین باد اجل با عارفان ...

- ۳۵- هست تسیحت بخار آب و گل ... ۱۴۴
- ۳۶- نفس هر دم از درونم در کمین ... ۱۴۷
- ۳۷- گوش من لایلدغ المؤمن شنید ... ۱۵۰
- ۳۸- جمله گفتند ای حکیم باخبر ... ۱۵۲
- ۳۹- گفت پیغمبر به آواز بلند ... ۱۵۵
- ۴۰- رمز الکاسب حبیب الله شنو ... ۱۵۷
- ۴۱- ما عیال حضر تیم و شیر خواه ... ۱۵۸
- ۴۲- گفت هین اکنون چه می خواهی بخواه ... ۱۶۰
- ۴۳- از که بگریزیم از خود ای محال ... ۱۶۱
- ۴۴- سر شکسته نیست هین سر را میند ... ۱۶۵
- ۴۵- این جهان زندان و ما زندانیان ... ۱۶۶
- ۴۶- مال را کز بهر دین باشی حمل ... ۱۷۰
- ۴۷- قوم گفتندش که ای خر گوش دار ... ۱۷۲
- ۴۸- قطره ی دل را یکی گوهر فتاد ... ۱۷۶
- ۴۹- زاهد چندین هزاران ساله را ... ۱۷۸
- ۵۰- گفت پیغمبر بکن ای رایزن ... ۱۸۴
- ۵۱- ور بگویی با یکی دو، الوداع ... ۱۸۶
- ۵۲- در بیان این سه کم جنبان لبث ... ۱۹۰
- ۵۳- عقل چون جبریل گوید احمدا ... ۱۹۲
- ۵۴- تا هوا تازه است ایمان تازه نیست ... ۱۹۴
- ۵۵- گفت پیغمبر که رنجوری به لاغ ... ۱۹۵
- ۵۶- پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی ست ... ۱۹۷

- ۱۹۸ ۵۷- هر که او بنهاد ناخوش سستی ...
- ۱۹۸ ۵۸- بر هوا تاویل قرآن می کنی ...
- ۲۰۰ ۵۹- خاصه از بهر زکات جاه خود ...
- ۲۰۲ ۶۰- چون قضا آید نیننی غیر پوست ...
- ۲۰۷ ۶۱- این همه دانست و چون آمد قضا ...
- ۲۰۷ ۶۲- گر قضا صد بار قصد جان کند ...
- ۲۰۸ ۶۳- گفت پیغمبر به تمیز کسان ...
- ۲۰۹ ۶۴- گر به صورت آدمی انسان بُدی ...
- ۲۱۰ ۶۵- در افتاد اندر چهی گاو کنده بود ...
- ۲۱۰ ۶۶- چاه مظلم گشت ظلم ظالمان ...
- ۲۱۲ ۶۷- ای که تو از ظلم چاهی می کنی ...
- ۲۱۵ ۶۸- مؤمنان آیینهی همدیگرند ...
- ۲۱۵ ۶۹- مؤمنان را بنظر بنور الله نبود ...
- ۲۱۹ ۷۰- ای شهان کشتیم ما خصم برون ...
- ۲۲۳ ۷۱- عالمی را لقمه کرد و در کشید ...
- ۲۲۵ ۷۲- سهل شیری دان که صفها بشکند ...
- ۲۲۸ ۷۳- جست او را تاش چون بنده بود ...
- ۲۲۹ ۷۴- زیر خرما بن ز خلقان او جدا ...
- ۲۳۳ ۷۵- هیبت حق است این از خلق نیست ...
- ۲۳۴ ۷۶- هر که ترسید از حق و تقوا گزید ...
- ۲۳۵ ۷۷- کرد خدمت مر عمر را و سلام ...
- ۲۳۶ ۷۸- وز زمانی کز زمان خالی بُدست ...

- ۷۹- حق محیط هر دو آمد ای پسر ... ۲۳۶
- ۸۰- چون که در قرآن حق بگریختی ... ۲۳۷
- ۸۱- هر دمش صد نامه صد پیک از خدا ... ۲۳۸
- ۸۲- چون نه ای سبّاح و نه دریایی ای ... ۲۴۱
- ۸۳- علم و حکمت زاید از لقمه‌ی حلال ... ۲۴۱
- ۸۴- گفت پیغمبر که ای طالب جری ... ۲۴۲
- ۸۵- طوطی ای کآید ز وحی آواز او ... ۲۴۳
- ۸۶- هر ستاره‌ش خون‌بهای صد هلال ... ۲۴۵
- ۸۷- صورتی کآن بر وجودت غالب است ... ۲۴۶
- ۸۸- خویش را رنجور سازی زار زار ... ۲۴۹
- ۸۹- جسم جسمانه تواند دیدنت ... ۲۵۰
- ۹۰- نالم ایرا ناله‌ها خوش آیدش ... ۲۵۱
- ۹۱- جمله عالم ز آن غیور آمد که حق ... ۲۵۱
- ۹۲- اشک کآن از بهر او بارند خلق ... ۲۵۴
- ۹۳- مرد غرقه گشته جانی می کند ... ۲۵۸
- ۹۴- اندر این ره می تراش و می خراش ... ۲۵۹
- ۹۵- رو که بی‌یسمع و بی‌بصر تویی ... ۲۶۱
- ۹۶- چون شدی من کان لّه از وله ... ۲۶۴
- ۹۷- گفت طوبی من رآنی مصطفی ... ۲۶۶
- ۹۸- گفت پیغمبر که نفحت‌های حق ... ۲۶۹
- ۹۹- مصطفی آمد که سازد همدمی ... ۲۷۰
- ۱۰۰- جان کمال است و ندای او کمال ... ۲۷۱

- ۲۷۴ - ۱۰۱- از ملولی یار خاموش کردمی ...
- ۲۷۶ - ۱۰۲- در شب تعریس پیش آن عروس ...
- ۲۷۷ - ۱۰۳- این نمک باقی است از میراث او ...
- ۲۷۸ - ۱۰۴- آن نمک کز وی محمد املح است ...
- ۲۷۹ - ۱۰۵- گفت پیغمبر ز سرمای بهار ...
- ۲۸۰ - ۱۰۶- چون به طوف خود به طوفی مرتدی ...
- ۲۸۲ - ۱۰۷- گفت پیغمبر که دائم بهر پند ...
- ۲۸۵ - ۱۰۸- تا عوض یابی تو گنج بیکران ...
- ۲۸۷ - ۱۰۹- آن درم دادن سخی را لایق است ...
- ۲۸۸ - ۱۱۰- گفت پیغمبر: قناعت چیست؟ گنج ...
- ۲۹۱ - ۱۱۱- گفت: ای زن! تو زنی یا بوالحزن ...
- ۲۹۳ - ۱۱۲- گفت پیغمبر که زن بر عاقلان ...
- ۲۹۶ - ۱۱۳- هر پیمبر فرد آمد در جهان ...
- ۲۹۶ - ۱۱۴- ای بسا شیرین که چون شکر بود ...
- ۲۹۷ - ۱۱۵- باز در خم او شود تلخ و حرام ...
- ۲۹۹ - ۱۱۶- در وجود تو شوم من منعدم ...
- ۳۰۱ - ۱۱۷- گفت پیغمبر که حق فرموده است ...
- ۳۰۳ - ۱۱۸- ز آن که این دمها چه گر نالایق است ...
- ۳۰۸ - ۱۱۹- چشم احمد بر ابوبکری زده ...
- ۳۱۷ - ۱۲۰- لوله‌ها بردار و پُر دارش ز خُم ...
- ۳۲۰ - ۱۲۱- رفت موسی کآتش آرد او به دست ...
- ۳۲۱ - ۱۲۲- خوی شاهان در رعیت جا کند ...

- ۱۲۳- شه چو حوضی دان حشم چون لوله‌ها ... ۳۲۴
- ۱۲۴- گنج مخفی بُد زُپری چاک کرد ... ۳۲۵
- ۱۲۵- چون در معنی زنی، بازت کنند ... ۳۳۲
- ۱۲۶- احتماها بر دواها سرور است ... ۳۳۵
- ۱۲۷- گر نباشد سایه‌ی پیر ای فضول ... ۳۳۷
- ۱۲۸- شاور و هن پس آن گه خائفوا ... ۳۴۰
- ۱۲۹- گفت پیغمبر: علی را کای علی ... ۳۴۳
- ۱۳۰- این چنین شه را ز لشکر زحمت است ... ۳۴۶
- ۱۳۱- کمترین کارش به هر روز این بود ... ۳۴۹
- ۱۳۲- هر نبی و هر ولی را مسلکی است ... ۳۵۰
- ۱۳۳- اَمّت مرحومه زاین رو خواندمان ... ۳۵۲
- ۱۳۴- مُشرف و اهل قلم بر دست راست ... ۳۵۴
- ۱۳۵- جنبشی اندک بکن هم چون چنین ... ۳۵۶
- ۱۳۶- کای محبّ عفو، از ما عفو کن ... ۳۵۶
- ۱۳۷- من همی گویم بر او جفّ القلم ... ۳۵۷
- ۱۳۸- گفت پیغمبر به یک صاحب ریا ... ۳۶۰
- ۱۳۹- اوّل آن کس کاین قیاسک‌ها نمود ... ۳۶۲
- ۱۴۰- گفت پیغمبر که هست از اَمّتم ... ۳۶۵
- ۱۴۱- گفت پیغمبر: صباحی زید را ... ۳۶۹
- ۱۴۲- الشّقی من شقی فی بطن أمّ ... ۳۷۲
- ۱۴۳- قلعه داری کز کنار مملکت ... ۳۷۴
- ۱۴۴- پس به غیبت نیم ذره حفظ کار ... ۳۷۶

- ۳۷۷ - ۱۴۵- گفت پیغمبر که اصحابی نجوم ...
- ۳۸۲ - ۱۴۶- تخت دل معمور شد پاک از هوا ...
- ۳۸۴ - ۱۴۷- نار خصم آب و فرزندان اوست ...
- ۳۸۸ - ۱۴۸- چون ابیت عند ربی فاش شد ...
- ۳۹۱ - ۱۴۹- چون تو بایی آن مدینه‌ی علم را ...
- ۳۹۵ - ۱۵۰- امت واحدی یکی و صدهزار ...
- ۳۹۶ - ۱۵۱- تیغ حلمم گردن خشمم زده‌ست ...
- ۳۹۶ - ۱۵۲- تا احب الله آید نام من ...
- ۳۹۹ - ۱۵۳- پست می گویم به اندازه‌ی عقول ...
- ۴۰۲ - ۱۵۴- کی بدیدندی عصا و معجزات ...
- ۴۰۵ - ۱۵۵- گفت پیغمبر به گوش چاکرم ...
- ۴۱۰ - ۱۵۶- کل شیء ما خلا الله باطل ...
- ۴۱۲ - ۱۵۷- آن که او تن را بدین سان پی کند ...
- ۴۱۲ - ۱۵۸- آن که او از مخزن هفت آسمان ...
- ۴۱۵ - ۱۵۹- لا یسع فینا نبیّ مرسل ...
- ۴۱۸ - ۱۶۰- گفت اگر رانند این را بر زبان ...
- ۴۱۹ - ۱۶۱- تو نگاریده‌ی کف مولیستی ...
- ۴۲۱ - گزیده منابع و مآخذ

مقدمه

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ
يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي
بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ.

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در
لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی
مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر
اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد؛ سپس برون و
درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود؛ این هدایت الهی است
که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند؛ و هر کس را
خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود.
بی‌تردید قرآن کلام خدا و بهترین سخنان است که برای انسان

نازل شده است. کلامی محکم، وزین و ارزشمند که در آن گذشته از زیبایی ظاهر، دارای عمق و ژرفای بسیار زیاد است. سخنی که سرشار از علم و معرفت و حکمت است و برای خردمندانی که به دنبال رشد و هدایت و کمال باشند هرچه بخواهند از این بابت می‌توانند در آن اقیانوس بی‌کران جست‌وجو کنند.

مولانا و دیگر عارفان که معانی ژرف را بر می‌تابند از این کتاب بی‌نظیر به خوبی استفاده کرده و در متن و بطن آن به تمامی غور نموده و گوهرهای بی‌مانند و فراوانی را صید کرده و روزی‌های بسیاری را از دل آن کسب نموده‌اند.

وقتی از عارف مسلمان سخن می‌رود بی‌تردید کسی به ذهن متبادر می‌گردد که با قرآن بوده و از قرآن استفاده کرده و به آن استناد و تمسک نموده باشد. عرفان اسلامی نیز بی‌تردید خاستگاهی قرآنی داشته و از متن و بطن قرآن و سنت نبوی جوشیده و بالیده است.

گفتیم سنت، سنت در کنار قرآن و بعد از قرآن برای مسلمانان و مؤمنان مهم‌ترین منبع و محل رجوع است. سنت به عبارتی «قول» و «فعل» و «تقریر» پیامبر و یا امام معصوم است. و لذا قول یا سخن پیامبر و امام، بعد از قرآن مهم‌ترین منبع الهام عارفان و محکم‌ترین دستاویز اهل ایمان برای رشد و کمال و هدایت به حساب می‌آید.

قول پیامبر و امام که در حکم شارح و مفسر، و در مواردی در حکم تأویل آیات قرآن است راهنمای مسلمانان در فهم بهتر آیات قرآن و عمل به احکام نورانی اسلام است.

اما باید دانست که پیامبر از خود سخنی نمی گوید و با دیگر افراد از این بابت کاملاً متفاوت است و آنچه که بر زبان جاری می کند طبق قول حق و خداوند بوده و حکم وحی و سخن خداوند را دارد. «وَمَا يَنطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۱، از آن جا که پیامبر (ص) طبق تعریف قرآن سخنی از روی هوای نفس بر زبان جاری نمی کند و آنچه که می گوید وحی الهی است پس چنانچه سخنی از حضرتش نقل شود و معلوم شود که وی گفته است آن نیز در حکم وحی خواهد بود و توجه به آن موجب ارشاد و هدایت محسوب می گردد و عدم توجه به آن می تواند ضلالت و گمراهی و دوری از حق و رضای حق را فراهم نماید. ضمن این که وضع احکام و بیان شکل صحیح احکام نیز بر عهده ی پیامبر است در غیر این صورت کسی از ظاهر متن قرآن نمی تواند احکام عملی را با ادب و آداب خاص آن استخراج و تعیین نماید. نماز و روزه و حج و زکات و دیگر احکام همه از این نوعند. یعنی بدون بیان رسول خدا که کم و کیف عملی و ادب و آداب آن را تشریح می کند کسی نمی تواند

۱۶ * پرتو ساقی، جامع احادیث مثنوی

آن گونه که بایسته و شایسته است آن احکام را عملی سازد، چه در متن آیات، شیوه‌ی عمل و انجام احکام به تمامی بیان نشده است و بدیهی است که این بیان رسول نیز در بیان احکام از سوی خود نبوده و حکم الهی و وحی ربّانی آن را مقرر نموده است. و لذا در بیان حدیث و قول رسول نیز باید وحی الهی را جست‌وجو نمود که او از خود چیزی را بیان نمی‌دارد.

به قول مولانا در کتاب شریف مثنوی:

عقل چون شحنه است چون سلطان رسید
شحنه‌ی بیچاره در کنجی خزید
عقل سایه‌ی حق بود حق آفتاب
سایه را با آفتاب او چه تاب؟
چون پری غالب شود بر آدمی
گم شود از مرد وصف مردمی
هرچه گوید آن پری گفته بود
زین سری ز آن، آن سری گفته بود
چون پری را این دم و قانون بود
کردگار آن پری خود چون بود؟
اوی او رفته پری خود او شده
تُرک بی‌الهام تازی گوشده
چون به خود آید نداند یک لغت
چون پری را هست این ذات و صفت

پس خداوند پری و آدمی
از پری کی باشدش آخر کمی؟
شیر گیر از خون نره شیر خورد
تو بگویی او نکرد آن بساده کرد
ور سخن پردازد از زر کهن
تو بگویی باده گفته ست آن سخن
بساده ای را می بود این شر و شور
نور حق را نیست آن فرهنگ و زور؟
که تو را از تو به کل خالی کند
تو شوی پست او سخن عالی کند؟
گرچه قرآن از لب پیغمبر است
هر که گوید حق نگفت او کافر است

۴۵، ب ۲۱۲۲-۲۱۱۰

پیامبر و امام در حکم شارح، مفسر و مبین قرآن و آیات
کریمه ی آن هستند. اما نه از هوای شخصی و نفسانی، بلکه به
عنایت و هدایت الهی، غیر از این در آیات قرآن با این عبارت
نورانی و راهگشا نیز مواجه هستیم که فرمود: «مَنْ يَطْعِ الرِّسُولَ فَقَدْ
أَطَاعَ اللَّهَ». «هر کس از رسول پیروی و اطاعت نماید بی تردید
خداوند را پیروی و اطاعت نموده است. بدیهی است اطاعت از

۱۸ * بر تو ساقی، جامع احادیث مننوی

رسول، اطاعت و پیروی از سنت اوست که توجه به احادیث و سخنان او بخش مهمی از این ماجرا به حساب می آید.

این که سخنان و کردار نبی نیز حجّت بوده و به مانند قرآن لازم السّمع و لازم الاجراء می باشد نیز مأخذی قرآنی داشته و عدم توجه به قول و فعل رسول نشانی از گمراهی خواهد بود. آیات ذیل حجّیت قول و فعل رسول را از زبان خداوند با صراحت تمام بیان می دارد:

الف: سوره نجم، آیات ۲-۳

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ». او هیچ گاه بر اساس هوای نفس سخن نمی گوید، بلکه هر چه که بیان می دارد نیست مگر وحی الهی.

ب: سوره احزاب، آیه ۲۱

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بی تردید پیامبر خدا برای شما الگو و اسوه ای نیکو است.

ج: سوره نساء، آیه ۶۵

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شِئْنَا» به پروردگارت سوگند که آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس

ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

د: سوره نساء، آیه ۵۹

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ». از خداوند و از رسول او و از صاحبان امر اطاعت و پیروی کنید.

دیگر شواهد قرآنی با همین لحن اطاعت از رسول چنین است:

* «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ».

* «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

* «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ».

* «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ».

* «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».